هوالأبهی - الهی الهی اناجيک فی خفيّات سرّی و هُويّة…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٢٩١

### هوالأبهی

الهی الهی اناجيک فی خفيّات سرّی و هُويّة قلبی و بلسانی فی جنح اللّيالی متضرّعاً اليک متذلّلاً بباب احديّتک ان تُخض بعبدک المتصاعد اليک فی بحار رحمتک و تشرق عليه بانوار مغفرتک و تفيض عليه بسحاب موهبتک ای ربّ انّه عبد آمن بک و آياتک و صدّق بکلماتک و بعث فی يومک و خدم احبّائک و انفق فی سبيلک و توکّل عليک و اشاع ذکرک و اذاع صيتک و قام بکلّ القوی علی عبوديّة احبّاء اللّه فاغفر له ذنوبه و اَستر عيوبه اَجره فی جوار رحمتک الکبری و اسکره من رحيقک المختوم الفائض من کأس دهاق من معرفة اللّه\*\*.\*\* ای ربّ ادخله فی ملکوتک الاعلی و انظره بلحظات عين عنايتک الکبری و ظلّل عليه سدرتک المنتهی و اسمعه نغمات الورقاء علی شجرة طوبی و وفّقه باللّقاء فی الافق الابهی انّک انت الغفور الرّؤوف الرّحمان الرّحيم\*\*.\*\*

ای پروردگار ای آمرزگار اين بنده بزرگوار از جام محبّتت سرمست بود و از يوم الست می‌پرست به خدمت احبّايت مشغول و به عبوديّت آستانت مألوف ذکرش تسبيح و تقديس بود و وردش ترتيل و تهليل به جان جانفشانی نمود تا آن که به کامرانی رسيد شب و روز دمی نياسود و راحتی ننمود بلکه هر دم همدم خدمات بود و هر نفس همنفس دوستانت بسا شبها که با چشم گريان و قلبی بريان ناله و فغان نمود و از فرقت حضرت احديّتت سوزان و گريان بود تا آن که از اين عالم فانی به آن جهان جاودانی شتافت و در جوار رحمت کبری منزل و مأوی جست\*\*.\*\* پروردگارا تو مهربانی و تو ملجأ هر بی سر و سامان اين بنده ديرين را قرين حضور فرما و از شهد و شکّر لقا کامش شيرين فرما در ظلّ شجره وحدانيّت مأوی ده و از کوثر بقا در محفل لقا سيراب کن توئی مهربان و توئی غافر ذنوب هر ناتوان و توئی آمرزنده گناهکاران\*\*. ع ع\*\*

